

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای\*

## Semantic Reconstruction of Non – Governmental Schools Stopped Activities: A Grounded Analysis

دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۶/۱۱؛ دریافت نسخه نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۵؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۱۱/۷

A. Madandar Arani., (Ph.D)

عباس معدن‌دار آرانی<sup>۱</sup>

**Abstract:** This study examines factors contributed to non – governmental schools stopped activities and provides a solution for it. Qualitative findings through deep-interview with three target groups including active founder, non- active founder and experts on non-government schools office in four geographic regions of the country were collected. Analysis of results provides a Semantic Model for explanation of stop factors of non-government schools. Based on the model, causal, grounded and interventional conditions and their interaction developed the phenomenon of "competitor schools". Then to deal with this situation, the interviewees admitted three different strategies of acceptance, resistance, and submission. The final stage was shown that each of these strategies have different outputs. Findings of study have been provided a semantic reconstruction of non-government schools through original core namely "relative instability".

**Key words:** Non-government schools, Semantic reconstruction, Grounded analysis

**چکیده:** پژوهش حاضر به بررسی عوامل موثر بر توقف فعالیت‌های مدارس غیردولتی و ارائه راهکار برای آن پرداخته است. یافته‌های کیفی از طریق مصاحبه هدفمند با سه گروه موسسان فعال، موسسان غیرفعال و کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی در ۴ منطقه جغرافیایی کشور جمع‌آوری گردید. تحلیل نتایج مصاحبه باعث تهیه یک مدل معنایی برای ارائه توضیحی بر علل توقف مدارس غیردولتی شده است. براساس مدل و در بدو امر، شرائط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر با تاثیر و تاثیر متقابل باعث بروز پدیده مدارس رقیب شده‌اند. برای مقابله با این شرائط، مصاحبه‌شوندگان به سه استراتژی متفاوت پذیرش، مقاومت و تسلیم اشاره کردند. در مرحله پایانی نشان داده شد که هر یک از این استراتژی‌ها زمینه‌ساز بروز پیامدهای گوناگون می‌شوند. یافته‌های پژوهش باعث بازسازی معنایی توقف مدارس غیردولتی از طریق ارائه یک هسته اصلی به نام "بی‌ثباتی نسبی" شده است.

**کلید واژه‌ها:** مدارس غیردولتی، بازسازی معنایی، تحلیل زمینه‌ای

مقاله حاضر حاصل بخشی از نتایج پژوهشی به نام "بررسی علل توقف مدارس غیردولتی و ارائه راه‌کار برای آن" است که با حمایت پژوهشگاه تعلیم و تربیت وزارت آموزش و پرورش صورت پذیرفته است که بدین وسیله از آنان تشکر و قدردانی می‌شود.

تحول در نگرش‌های اقتصادی و گرایش جهانی بر کاهش نقش دولت را باید اصلی‌ترین عامل تاثیرگذار بر رابطه نظام سیاسی با نهادهای اجتماعی هم‌چون آموزش و پرورش در طی دو دهه قرن بیستم و سال‌های آغازین هزاره جدید دانست. محور اصلی اصلاحات مبتنی بر "کوچک-سازی دولت"، افزایش نقش بنگاه‌های خصوصی در اداره اموری است که دولت‌ها برنامه‌ریزی، اجرا و کنترل آن را حق انکار نشدنی خود می‌پنداشتند (برای، ۱۹۹۶، بونا، ۲۰۱۲، دیسای و همکاران، ۲۰۰۸). در طی دو دهه پایانی قرن بیستم، نظام‌های آموزشی متمرکز در بسیاری از کشورهای در حال توسعه شاهد واگذاری فعالیت‌های مختلف خدماتی و تحصیلی خود به بخش خصوصی بوده‌اند (هارما، ۲۰۰۹). در ایران تاسیس مدارس غیردولتی بعد از پایان جنگ و در اواخر دهه ۶۰ خورشیدی نشانگر نخستین اقدام در جهت تحقق این موضوع بود. بازده عینی این سیاست بعد از دو دهه، تاسیس و راه‌اندازی بیش از ۱۶۰۰۰ مدرسه غیردولتی و پوشش تحصیلی بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ نفر فراگیر در دوره‌های مختلف آموزشی است (دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی، ۱۳۸۸). طبعاً هم‌چون هر فعالیت اقتصادی دیگر، گذشت زمان اثرات مثبت و منفی خود را بر "مدارس غیردولتی" به‌عنوان "بنگاه‌هایی اقتصادی" گذاشته است. به‌همین دلیل نگاهی دوباره به‌وضع فعلی و چشم‌اندازها و چالش‌های پیش‌رو به‌عنوان یک ضرورت، مبین فرهیختگی ذهنی و درک شرایط زمانه توسط کسانی است که با این مدارس سروکار دارند. بر این اساس از یک سو، گسترش ایده "اقتصاد دانش" و لزوم حرکت به‌سمت کاهش وابستگی به درآمدهای دولتی، باعث شده است که اعتقاد به‌درستی سیاست خصوصی‌سازی آموزش و گسترش مدارس غیردولتی بیش از گذشته تثبیت گردد (جعفری، ۱۳۸۹). از سوی دیگر هم‌چون سایر فعالیت‌های اقتصادی، خصوصی‌سازی مراکز آموزشی باید مورد ارزیابی و تجدیدنظر مداوم قرار گیرد تا با عنایت به شرایط و اقتضائات جدید اقتصادی و اجتماعی/ فرهنگی جامعه بتواند فعالیت خود را ادامه دهد. بی‌توجهی و غفلت از ضرورت‌ها و باید و نبایدهای محیطی، تداوم حیات مدارس غیردولتی را به چالش خواهد کشید. بدیهی است که این مدارس به‌عنوان "بنگاه-های اقتصادی" هیچ‌گاه نمی‌توانند خود را از تاثیر قواعد و قوانین حاکم بر فضای اجتماعی مبرا سازند. آگاهی توأم با آینده‌نگری، ضرورت توجه دوباره به مسائل و مشکلات این حوزه اقتصادی را برای دست اندرکاران و پژوهشگران "اقتصاد آموزش" مسلم ساخته است.

## هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر بر توقف مدارس غیردولتی کشور و ارائه یک مدل معنایی برای آن براساس تئوری زمینه‌ای است. مدارس غیردولتی که قبل از انقلاب اسلامی از آن‌ها با نام "مدارس ملی" یاد می‌شد، براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی به‌طور رسمی از سال تحصیلی ۶۹-۱۳۶۸ شروع به کار کردند. در حال حاضر ۱۶ هزار و ۸ مدرسه غیردولتی در مجموع با پوشش دهی یک میلیون و ۱۲۰ هزار دانش‌آموز در کل کشور وجود دارد. این مدارس با هدف افزایش مشارکت‌های مردمی، به‌ویژه در بعد مالی / مادی - پا به‌عرصه وجود گذاشتند تا به یاری وزارت آموزش و پرورش و دولت بیایند. در طی سالی‌های آغازین هم‌چون بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی نوپا، گرایش مشترکی بین دولت و علاقمندان به سرمایه‌گذاری در بخش آموزش وجود داشت (پویان، ۱۳۷۶). از یک سو، دولت با ارائه کمک‌های اقتصادی (مالی / مادی) و پشتیبانی‌های قانونی و سازمانی، مبلغ تاسیس مدارس غیردولتی توسط بخش خصوصی بود. از سوی دیگر، افزایش تقاضای اجتماعی برای آموزش و رقابت برای دسترسی به آموزش با کیفیت، زمینه‌های مساعد برای جذب سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را فراهم نمود. این روند تا اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی ادامه داشت (ثابتی، ۱۳۸۶). از سال‌های میانی این دهه و به‌ویژه در سال‌های اخیر، دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی شاهد تقاضای روزافزون "اخذ مجوز برای توقف مدرسه" از جانب موسسان این مدارس می‌باشند. به‌نحوی که گزارش دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که در طی سال تحصیلی ۹۰-۸۹، در کل کشور - و در همه دوره‌های تحصیلی - ۴۵۷ مدرسه غیردولتی فعالیت خود را متوقف کرده‌اند. هم‌زمان اطلاعات موجود مبین آن است که از مجموع مدارس غیردولتی شهر تهران، ۲ هزار مدرسه صندلی خالی داشته و بیش از ۹۰ درصد آن‌ها به‌علت افزایش هزینه‌های جاری، با مشکلات مالی دست و پنجه نرم می‌کنند (مصری، ۱۳۸۷). آشکار است که شناسایی علل توقف مدارس غیردولتی می‌تواند از تکرار تجارب تلخ و اتلاف سرمایه‌های اقتصادی و انسانی جلوگیری نماید. لذا پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که سه گروه موسسان فعال، موسسان غیرفعال، و کارشناسان مدارس غیردولتی، تغییرات و تحولات منجر به توقف این مدارس را چگونه درک و تفسیر می‌کنند. لذا سوالات پژوهش حاضر عبارتند از:

- مهم‌ترین عوامل توقف مدارس غیردولتی کدامند؟
- چه شرایط زمینه‌ای باعث توقف مدارس غیردولتی شده‌اند؟
- تاثیر نهادها و سازمان‌های دولتی بر روند توقف مدارس غیردولتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

- مدارس جایگزین مدارس غیردولتی کدامند؟
- استراتژی‌های موسسان مدارس غیردولتی در مقابله با مشکلات چیست؟
- پیامدهای توقف مدارس غیردولتی چیست؟

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش نظریه زمینه‌ای (Grounded Theory) که یک روش کیفی است، استفاده می‌شود. در روش نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری، تحلیل داده‌ها و نظریه‌ای که احتمالاً به دست می‌آید، با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. محقق بدون نظریه‌ای پیش‌انگاشته، ترجیحاً کار خود را با حوزه‌ای از مطالعه شروع می‌کند و اجازه می‌دهد که نظریه به‌وسیله داده‌ها خلق شود (محمد پور، ۱۳۹۰).

### روش پژوهش

طبیعی است که برای شناسایی علل توقف مدارس غیردولتی باید به‌کسانی که در طی سال‌های گذشته به‌نحوی با این مدارس سروکار داشته و از فراز و فرودهای آن آگاه هستند، مراجعه کرد. بر این اساس سه گروه موسسان فعال، که در حال حاضر دارای مدرسه هستند، موسسان غیرفعال، که در حال حاضر به‌صورت موقت یا دائمی مدارس خود را تعطیل کرده‌اند، و کارشناسان دفاتر مدارس غیردولتی برای شرکت در این پژوهش انتخاب شدند. از آنجایی که مقاله حاضر فقط دربردارنده نتایج کیفی یک پژوهش گسترده است، باید اشاره کرد که جامعه آماری برای هر دو بخش کمی و کیفی پژوهش یکسان بوده و نمونه آماری به‌روش طبقه‌ای نسبی به‌شرح زیر انتخاب شده‌اند:

در مرحله نخست از بین ۳۱ استان کشور، ۱۰ استان به‌ترتیب فراوانی توقف مدارس انتخاب شدند. در مرحله دوم با توجه به فراوانی جمعیت آماری در ۱۰ استان منتخب، ۳۶۸ نفر در سه گروه شرکت‌کننده انتخاب و در بخش کمی پژوهش شرکت کردند. برای شرکت در بخش کیفی (مقاله حاضر) از بین ۱۰ استان منتخب، ابتدا ۴ استان اصفهان، خراسان رضوی، شهرستان‌های تهران و لرستان به‌صورت تصادفی ساده انتخاب و سپس از جمع شرکت‌کنندگان این مناطق، تعداد ۳۲ نفر برای مصاحبه عمیق به‌صورت تصادفی ساده انتخاب گردیدند (از هر استان ۲ کارشناس مدارس غیردولتی، ۳ موسس فعال و ۳ موسس غیرفعال). هم‌چنین برای انتخاب مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. در نمونه‌گیری هدفمند، محقق ویژگی‌های جمعیت موردعلاقه را مشخص ساخته و افراد دارای این مشخصات را پیدا می‌کند

(جانسون و کریستنسن، ۲۰۰۸). با عنایت به این موضوع، پژوهشگر حاضر از بین موسسان و کارکنان دفاتر مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش، نمونه مورد مصاحبه را با توجه به فرایند فوق‌الاشاره انتخاب کرده است.

### جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها

در مطالعات کیفی و مخصوصاً در نظریه زمینه‌ای، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به‌طور هم‌زمان انجام می‌شود تا به پیدایش نظریه مستقر در داده‌ها کمک کنند (آلن، ۲۰۰۳). تکنیک عمده مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق است. مصاحبه کیفی عمیق با شیوه‌های نظریه زمینه‌ای، بسیار تناسب دارد. در مصاحبه عمیق، محقق کنترل بیشتری روی ساخت داده‌ها دارد. در واقع مصاحبه، یک گفت‌گویی جهت داده شده است. به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک سوم مصاحبه عمیق پیشنهادی پاتون (۲۰۰۱) به‌نام مصاحبه باز استاندارد استفاده شد. ساختار اصلی تحلیل داده‌ها در نظریه زمینه‌ای بر مبنای سه شیوه کدگذاری ۱- کدگذاری باز، ۲- کدگذاری محوری و ۳- کدگذاری انتخابی است.

### تحلیل یافته‌ها

یافته‌های تحقیق حاصل مصاحبه‌های عمیق پژوهشگر با ۳۲ نفر از موسسان فعال، غیرفعال و کارشناسان فعلی مدارس غیردولتی است که به‌صورت گروهی و در فضای کاملاً دوستانه با مشارکت فعال افراد صورت پذیرفته است. زمان جلسات مصاحبه، که محقق محدودیت زمانی برای آن در نظر نگرفته بود، در هر یک از این مراکز بیش از ۴ ساعت بود که مصاحبه‌شوندگان طی این مدت به‌طرح دیدگاه‌های خود پرداختند. همان‌گونه که قبلاً ذکر گردید پرسش اصلی پژوهش این است که سه گروه مصاحبه‌شونده تغییرات و تحولات منجر به توقف این مدارس را چگونه درک و تفسیر می‌کنند. برای دستیابی به پاسخ این سوال، ۶ پرسش مطرح گردید. تجزیه و تحلیل محتوایی مصاحبه‌ها باعث استخراج ۴۴ مفهوم اولیه در مرحله کدگذاری باز، ۶ مقوله عمده در مرحله کدگذاری محوری و ۱ مقوله محوری هسته در مرحله کدگذاری گزینشی شد (جدول ۱). با عنایت به مفاهیم مندرج در جدول ۱، یافته‌های پژوهش به تفکیک هر پرسش عبارتند از:

**شرائط علی:** در پاسخ به پرسش نخست مصاحبه یعنی "مهم‌ترین عوامل توقف مدارس غیردولتی کدامند؟"، مصاحبه‌شوندگان بر نقش بنیانی عواملی که ریشه در چهار حوزه مفهومی

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

اقتصاد، سازمان، مدیریت و آموزش دارد، اشاره کردند. از آنجائی که علل اصلی توقف مدارس غیردولتی عمدتاً متأثر از نارسائی‌های موجود در یکی از این حوزه‌ها است، آن‌ها را "شرائط علی" می‌نامیم. یافته‌های حاصله نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل موثر بر روند توقف مدارس، شرائط اقتصادی کلان کشور و مشکلاتی از قبیل بالا بودن نرخ رهن و اجاره ساختمان متأثر از تورم سالانه و کاهش مداوم ارزش پول ملی، وجود موانع متعدد بانکی جهت دریافت وام، و عدم تناسب هزینه‌ها با مجموع دریافتی مدرسه بابت شهریه است. تأثیر این عوامل در خلال گفتار مصاحبه‌شوندگان مشهود است، به‌نحوی که می‌توان گفت یکی از موضوعاتی که هر سه گروه مصاحبه‌شونده اجماع کاملی در خصوص آن دارند، تأثیر منفی عوامل اقتصادی است. بر این اساس، یکی از کارشناسان می‌گوید:

"اکثر مدارس متوقف شده متعلق به موسساتی است که توان اقتصادی آن‌ها ضعیف است و در ساختمان‌های مسکونی استیجاری، مدرسه را تاسیس کرده‌اند. آن‌ها دیر یا زود باید از گردونه خارج می‌شدند." هم‌چنین یکی از موسسان غیرفعال می‌گوید: "من هر سال مجبور بودم به‌خاطر نرخ بالای رهن و کرایه، ساختمان مدرسه‌ام را تغییر داده و به مکان دیگری بروم که هزینه‌های کمرشکنی داشت." یا "الان ۵-۴ سال است همش داریم قرض می‌کنیم. ماهی ۳ میلیون تومان کارمزد پول می‌دهیم یعنی حدود ۱۰۰ میلیون تومان بدهکاری. تورم را ۲۱ درصد اعلام ولی شهریه را ۱۰ درصد اضافه کرده‌اند. این یعنی ۱۰ درصد کسری، چه کسی باید این کسری را جبران کند." به‌همین دلیل یکی از کارشناسان معتقد است: "هرکس که برای دریافت مجوز تاسیس به من مراجعه می‌کند به او می‌گویم اگر حداقل برای سال اول ۵۰ میلیون تومان پول دارید که اگر موفق نشدی و نتوانستی دانش‌آموز بگیری و پولت از بین رفت مقروض دیگران نباشی، بیا جلو و وارد این کار شو" این وضعیت باعث شده است که امروزه بسیاری از موسسان و دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی تداوم فعالیت خود را بسیار سخت و ناگوار، ارزشیابی کرده و سرمایه‌گذاری در آموزش را فاقد فایده اقتصادی بدانند. هم‌چنین در سال‌های اخیر وزارت آموزش و پرورش بعضی از طرح‌های مدرسان به مدارس غیردولتی را، به‌عنوان مثال طرح حمایت از کودکان لازم‌التعلیم یتیم، حذف کرده است. دومین عامل موثر بر تسریع روند توقف مدارس غیردولتی "عوامل سازمانی" است که در راس اکثر انتقادات، عملکرد دولت و به‌ویژه وزارت آموزش و پرورش قرار دارد. اصلی‌ترین انتقاد سازمانی، به‌عدم حمایت واقعی دولت از مدارس غیردولتی برمی‌گردد. معمولاً اکثر مصاحبه‌شوندگان با نگاهی به گذشته به کارکرد نقش دولت می‌پردازند: "در سال‌های اول بازگشائی مدارس غیردولتی، دولت نگرش خوبی به این مدارس داشت در حالی که مردم و اکثریت معلمان با خوش بینی به این مدارس نگاه نمی‌کردند" به-

عنوان مثال تصمیم اخیر دولت، متأثر از سند تحول راهبردی نظام آموزش و پرورش، که بدون زمینه‌سازی‌های لازم، ناگهان ساختار نظام آموزشی را تغییر و یک سال از دوره راهنمایی کاسته و به دوره ابتدائی افزوده است، را می‌توان یکی از ضربه‌های اخیر سازمانی بر این مدارس دانست. در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: "این تغییر بیشترین ضربه را تا سه سال آینده به من که مدرسه راهنمایی دارم می‌زند چرا که بخشی از دانش‌آموزانم را از دست می‌دهم. از سوی دیگر چون تمهید درستی صورت نگرفته هر روز وزارت آموزش و پرورش بخشنامه‌ای صادر می‌کند تا کاستی‌های طرح را رفع کند. الان بخشنامه کرده‌اند که معلمان راهنمایی داوطلبانه از این دوره به دوره ابتدایی بروند ولی هیچ‌کس متقاضی انتقال به دوره ابتدایی نیست".

موضوع دیگر بحث سیاست‌گذاری‌های وزارت آموزش و پرورش، به‌عنوان نهاد اصلی ناظر بر عملکرد مدارس غیردولتی است. یکی از کارشناسان در این خصوص معتقد است: "شاکله خاصی در وزارت آموزش و پرورش برای سیاست‌گذاری‌ها وجود ندارد و نوع سیاست‌ها برمی‌گردد به نظر وزیر و اخیراً بعد از چند دهه سند تحول را داریم..... هر وزیری با توجه به تفکر خویش به مدارس غیردولتی نگاه می‌کند و حرکت وزراء بعضاً مخالف هم بوده است".

به‌همین دلیل یکی از مصاحبه‌شوندگان می‌گوید: "وزارت‌خانه ضوابط کلی برای صدور مجوز تعیین کرده، شورای نظارت استان هم اطلاعات کافی ندارد، آن‌ها نیز تفویض اختیار می‌کنند به ادارات و کارشناس سلیقه‌ای عمل می‌کند". به‌زعم اکثر موسسان در حال حاضر بسیاری از مدیران آموزش و پرورش، مدارس غیردولتی را طفیلی دانسته و مدارس دولتی را بر آنان ترجیح می‌دهند. این امر به‌ویژه در توزیع نیروی انسانی خودنمایی می‌کند، به‌نحوی که وزارت مذکور واگذاری نیروی مامور به این مدارس را منع کرده است در حالی که نیروی مازاد دارد. سومین شرط علی‌الشاره به عوامل مدیریتی دارد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دریافت شهریه کمتر از شهریه مصوب، ناتوانی موسس و مدیر در جذب دبیران خوشنام و مشورت اندک موسس با افراد خبره برای تاسیس مدرسه مهم‌ترین عوامل مدیریتی موثر بر توقف مدارس غیردولتی هستند. به‌عنوان مثال یکی از کارشناسان می‌گوید: "اگر مدارس چالشی دارند به‌خاطر این است که افرادی آمده‌اند که توقع دارند بدون کار خوب، یک شبه ره صد ساله بروند. موسسی که ۱۰ سال پیش مدرسه زده است امروز دیگر نمی‌تواند با همان اندیشه پیش برود. موسسی که نشسته و حاضر نیست رقبایش را بشناسد معلوم است شکست می‌خورد. موسس خلاقیت ندارد".

عامل دیگر به‌تعارض دیدگاه بعضی از موسسان با کارشناسان در خصوص رشد این مدارس بازمی‌گردد. بعضی از موسسان با تاسیس شعبه جدید مدارس غیردولتی مخالف و آن را ناشی از

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

رانت‌های اداری می‌دانند. یکی از موسسان اعتراض می‌کند که: "رابطه بازی باعث شده که یک موسس چند تا شعبه زده و ۲۰ مدرسه دیگر را به‌خطر اندازد" در برابر، نگاه کارشناس متفاوت است:

"طبق قانون هرکس که شرایط را دارا بود ما مجوز می‌دهیم. کسی که خوب و با شتاب پیش می‌رود و درخواست شعبه دیگر می‌کند نمی‌توانیم جلو او را بگیریم. باید او را تشویق کنیم و نباید از رقابت ترسید". از سوی دیگر باید به توانمندی موسس در تشخیص منطقه جغرافیایی مناسب برای تاسیس مدرسه اشاره کرد. تجربه اکثریت مصاحبه‌شوندگان موید آن است که اکثر مدارس متوقف شده دارای دو ویژگی عمده بوده‌اند. اول تاسیس در منطقه‌ای که اکثریت والدین از بعد مالی، ضعیف و قادر به پرداخت شهریه نمی‌باشند و دوم فقدان توانایی مالی موسس. یکی از موسسان غیرفعال با تلخکامی تجربه خود را بازگو می‌کند: "بعد از ۳۰ سال معلمی نمی‌توانستم از بچه‌ها جدا شوم. در منطقه ضعیفی با توصیه کارشناس اداره، مدرسه را راه‌اندازی کردم. سال اول شهریه را قسط‌بندی کردم، سال دوم والدین شهریه را نپرداختند، کرایه هم اضافه شد. همکاران باید بیمه می‌شدند و بدشانسی در نزدیکی مدرسه من مدرسه دولتی مخروبه‌ای بود که سال بعد آن را خراب و ساختمان نوئی ساختند. با ۲۷ میلیون تومان ضرر، مدرسه را تعطیل کردم".

آشکار است که ضعف مدیریتی موسس توأم با توصیه‌های نادرست بعضی از کارشناسان مدارس غیردولتی منبث از ارزیابی غلط از شرایط محیطی، باعث شکست سرمایه‌گذار در این حوزه اقتصادی شده است. چهارمین گروه از شرایط علی موثر بر توقف مدارس غیردولتی را عوامل آموزشی تشکیل می‌دهند. یافته‌ها نشان می‌دهد که عدم پرداخت یک سوم حق بیمه نیروی آزاد توسط دولت، کاهش تعداد دانش‌آموزان، و فقدان تجهیزات و امکانات آموزشی کافی در جهت جذب دانش‌آموزان جدید به ترتیب مهم‌ترین عوامل آموزشی موثر بر توقف مدارس هستند. البته بعضی از مصاحبه‌شوندگان تاکید داشتند که حرف اول در کسب موفقیت را، تجهیزات و امکانات مدرسه و سپس مدیریت قوی می‌زند: "با توجه به این که مدارس دولتی روز به روز تجهیز می‌شوند، هم‌چنین تراکم دانش‌آموزی کاهش یافته است و مدارس نیز تک نوبته می‌شوند قطعاً اگر ما مدارس مان را تجهیز نکنیم شکست خواهیم خورد". از سوی دیگر وزارت آموزش و پرورش با افزایش میزان حق‌التدریس، موسسان را دچار مشکل کرده است.

"آموزش و پرورش از یک سو حق‌التدریس دبیران را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر خودش به هیچ معلمی کلاس بیش از حد موظف نمی‌دهد که مجبور به پرداخت حق‌التدریس شود. لذا این وسط، فقط ما ضرر می‌کنیم".



مشکل دیگر روند طولانی اخذ‌گزینه‌ش صلاحیت عمومی برای نیروهای آزاد است. جالب این- که براساس بخشنامه وزارت آموزش و پرورش، حتی فرهنگیان بازنشسته که ۳۰ سال از عمر خود را در نظام آموزشی گذرانده‌اند، باید برای تدریس در مدارس از جنبه صلاحیت عمومی تأیید شوند. هم‌چنین در خصوص استخدام نیروهای آزاد، دولت تکلیف را مشخص نکرده است. این موضوع در سخن یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

"من یک خانم نیروی آزاد دارم که با فوق لیسانس ۷ سال است در مدرسه من کار می‌کند و بسیار هم معلم موفقی هست. وزارت آموزش و پرورش نیروهای نهضت سوادآموزی را با ۵ سال سابقه استخدام می‌کند، این تبعیض است. یک امتیاز به دیگران بدهید یک امتیاز هم به ما".

**شرایط زمینه‌ای:** در پاسخ به پرسش دوم تحقیق یعنی "چه شرایط زمینه‌ای باعث توقف مدارس غیردولتی شده‌اند"، مصاحبه‌شوندگان به‌عللی اشاره کرده‌اند که می‌توان آن‌ها را "شرایط زمینه-ای" نامید. شرایط زمینه‌ای به تاثیر مجموع عواملی اشاره دارد که در کوتاه‌مدت رفع اثرات آن‌ها امکان‌پذیر نیست. در این خصوص می‌توان به تاثیر نرخ رشد جمعیت، جنسیت دانش‌آموز، ویژگی دوره تحصیلی و ویژگی‌های دیر پای نظام اقتصادی هم‌چون تورم و رکود ادواری اشاره کرد. به عنوان مثال از ویژگی‌های دیرپای نظام اقتصادی ایران یعنی تورم و رکود ادواری یاد می‌کنیم که خود هم‌زمان بر سایر شرایط زمینه‌ای تاثیر گذاشته و از آن‌ها تاثیر می‌پذیرد. تورم و رکود ادواری اقتصاد ایران باعث شده است که روز به روز از تعداد خانواده‌هایی که توانمندی مالی لازم را برای پرداخت شهریه مدارس غیردولتی دارند، کاسته شود. اطلاعات حاصله از دفتر مدارس غیردولتی وزارت آموزش و پرورش نشان می‌دهد که بیش از ۷۵ درصد مدارس متوقف شده در مناطقی قرار دارند که مردم از لحاظ وضعیت اقتصادی، جزو گروه ضعیف هستند. بر این اساس بسیاری از مصاحبه‌شوندگان بر این امر تاکید داشتند که آنان قادر به جمع‌آوری شهریه مصوب نیستند:

"در بعضی از مدارس همکاران من جرات ندارند نرخ شهریه مصوب را به دیوار مدرسه بزنند چراکه آن‌ها الان با نرخ بسیار پایین‌تر هم ثبت‌نام کرده‌اند ولی دائم باید به بچه‌ها و والدین تذکر بدهند که چرا شهریه را نمی‌پردازند".

مثال دیگری که مبین تاثیر شرایط زمینه‌ای بر روند توقف مدارس است، کاهش نرخ زاد و ولد می‌باشد. تحلیل موجود آن است که بعد از تحولات جمعیتی در دهه ۱۳۶۰ شمسی، دولت مجبور به پذیرش مشارکت بخش خصوصی در امر آموزش گردید تا فشار حاصل از تقاضای اجتماعی را کاهش دهد. سخن یکی از موسسان مبین این موضوع است:

"زمانی که آموزش و پرورش به‌علت هجوم دانش‌آموز مجبور شده بود روغن‌های حلب ۱۷

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

کیلوئی را پر از گچ کرده و به‌عنوان نیمکت، دانش‌آموز را روی آن در کلاس‌ها بنشانند به کمک دولت آمدمیم، ولی الان دولت به فکر ما نیست."

طبیعی است که بعد از کاهش تدریجی نرخ زاد و ولد در طی دو دهه اخیر توام با افزایش ساخت و ساز مدارس، فشارهای مذکور عمدتاً کاهش و ضرورت‌های اولیه تغییر یابد. این موضوع به‌صورت مکرر در خلال سخنان مصاحبه‌شوندگان مشهود است. در واقع آنان از یک دوره طلائی افزایش جمعیت، دوره رشد بطئی و دوره توقف کامل صحبت می‌کنند.

"اوائل بسیاری از مدارس دولتی و غیردولتی به مخروبه شبیه بودند. الان دولت بودجه خوبی برای نوسازی و تجهیز مدارس گذاشته، زاد و ولد هم که کم شده است. حالا من مدرسه‌ای دارم که روز به روز خالی‌تر می‌شود."

به این دلیل نیز بعضی از مدارس متوقف شده نتوانسته‌اند جمعیت مصوب برای مدرسه خود را جذب کنند. آخرین مثال برای توضیح شرایط زمینه‌ای، به نقش جنسیت دانش‌آموز مدرسه اشاره دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که مدارس دخترانه بیشتر از مدارس پسرانه دچار توقف شده‌اند که درک چرایی آن مستلزم پژوهشی جداگانه است.

**شرایط مداخله‌گر:** شرایط مداخله‌گر در پژوهش حاضر به تاثیر مجموعه‌ای از نهادها و سازمان‌ها اشاره دارد که در یک روند طبیعی باید باعث تسریع فعالیت اقتصادی موصوف شوند. در پاسخ به سوال سوم پژوهش یعنی "تاثیر نهادها و سازمان‌های دولتی بر روند توقف مدارس غیردولتی را چگونه ارزیابی می‌کنید"، از خلال گفتار مصاحبه‌شوندگان می‌توان حداقل از تاثیر ۱۲ سازمان و نهاد بر روند توقف مدارس غیردولتی یاد کرد. به هر حال برای درک بهتر تفسیر و برداشت مصاحبه‌شوندگان از نقش این نهادها و سازمان‌ها، به بعضی از یافته‌های مرتبط اشاره می‌شود:

- **هیئت دولت:** در این وضعیت مصاحبه‌شوندگان به‌صورت کل، مجموعه هیئت دولت و به‌ویژه دولتی که به‌نام رئیس جمهور حاکم شناخته می‌شود را مدنظر قرار داده‌اند. به‌همین دلیل بسته به دوره زمانی، آنان از دولت آقایان هاشمی رفسنجانی، خاتمی و احمدی‌نژاد یاد می‌کنند که عمده تحول در حوزه خصوصی‌سازی آموزش هم‌زمان با حاکمیت آنان رخ داده است. این امر در گفتار یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

"در اوایل دهه ۷۰ که من مدرسه را تاسیس و راه‌اندازی کرده بودم یک روز در دفتر مدرسه نشسته بودم که دیدم زنگ زدن بیا مینی بوس برای مدرسه بگیر... در دوره خاتمی مشوقی نبود، هل دادنی هم نبود. به‌نظر می‌رسد این دولت شوقی برای کمک به مدارس غیردولتی ندارد."

هم‌چنین این مفهوم گاهی برای همه دولت‌ها به‌کار می‌رود.

"از اول تاسیس مدارس هم مشخص نبود تا کجا دولت باید دخالت کند. معلوم نیست ما

خصوصی هستیم یا دولتی. اگر خصوصی هستیم چرا هر روز دولت تو کار ما دخالت می‌کند. من اگر شهریه را گران گفتم چرا دولت نمی‌گذارد مردم خودشان انتخاب کنند و بچه‌شان را ببرند این همه مدرسه غیردولتی دیگر".

با این وجود به‌علت هم‌زمانی مصاحبه با دولت فعلی، منظور اکثر شرکت‌گندگان از واژه دولت، دولت آقای احمدی‌نژاد می‌باشد. بر این اساس بسیاری از موسسان و کارشناسان معتقدند که دولت، مصوبات مجلس و حتی مصوبات خودش را هم در خصوص مدارس غیردولتی اجرا نمی‌کند (هم‌چون ماده ۱۴ قانون واگذاری مدارس دولتی به افراد یا بخش خصوصی) یا قانون صندوق حمایت از موسسان (که ۴ سال از تصویب آن گذشته است). علاوه بر این می‌توان از نقش دولت در عدم به رسمیت شناختن حق مالکیت موسسان بر مدرسه بعد از گذشت سال‌ها نام برد، موضوعی که میراث دولت‌های گذشته است. در این مورد قانون‌گذار با ابهام با موضوع برخورد کرده است و دولت نیز بلا تکلیف است. هم‌چنین بزعم بسیاری از مصاحبه‌شوندگان باید از تصویب قوانین بر علیه مدارس دولتی و علیه مدارس غیردولتی نام برد. برای نمونه در حالی که دولت برای مدارس دولتی ۵۰ درصد معافیت در قیمت حامل‌های انرژی در نظر گرفت، مدارس غیردولتی را از این امتیاز محروم کرده است.

**– وزارت آموزش و پرورش:** در بسیاری از موارد مصاحبه‌شوندگان، وزارت آموزش و پرورش را به‌عنوان آئینه تمام‌نمای هویت دولت قلمداد کرده و حجم گسترده‌ای از سخنان خود را معطوف به عملکرد و سیاست‌های این وزارت‌خانه می‌دانند. از موثرترین موضوعاتی که موید نقش وزارت آموزش و پرورش به‌ویژه در سطح ستادی است، می‌توان به موضوعاتی هم‌چون تنوع بخشنامه‌ها و سردرگمی هر ساله ادارات کل آموزش و پرورش و واحدهای تابعه، دخالت در تعیین شهریه بدون مدنظر قرار دادن واقعیات محیطی و اقتصادی، دادن مجوز بی‌رویه برای تاسیس مدارس جدید، عدم رعایت فاصله بین مدارس و کاهش این فاصله، ارزیابی پراکنده و سلیقه‌ای از عملکرد مدارس و درگیری موسسان با سازمان تجهیز و نوسازی مدارس اشاره کرد. هریک از این موارد به‌صورت مفصل در جملات مصاحبه‌کنندگان قابل پیگیری است. به‌عنوان نمونه وزارت آموزش و پرورش فاصله ۱ کیلومتری را که قبلاً باید بین هر مدرسه غیردولتی رعایت می‌شد، به ۲۵۰ متر برای جنس موافق و ۵۰۰ متر برای جنس مخالف کاهش داده است. این موضوع در کلام یکی از مصاحبه‌شوندگان مشهود است:

"عالم و آدم می‌دانند تعداد بچه مدرسه‌ای‌ها کم شده است، ولی آموزش و پرورش هر روز مجوز تاسیس مدرسه جدید بغل گوش مدرسه ما می‌دهد. من از کجا باید دانش‌آموز پیدا کنم تا

بتوانم هزینه‌های مختلف را بپردازم."

یکی دیگر از موضوعات بسیار چالش‌برانگیز بین وزارت آموزش و پرورش با موسسان مدارس غیردولتی، تعیین نرخ شهریه است. در واقع این موضوع خود ابعاد متعددی دارد که مستلزم انجام پژوهشی جداگانه است، ولی این‌گونه به‌نظر می‌رسد که دولت در خصوص تعیین میزان شهریه خود را موظف به دخالت در آن می‌داند. این نگرانی مبین عدم توجه دولت به اصول حاکم بر فضای کسب و کار در بخش خصوصی، رقابت‌های اقتصادی و حق مشتری در انتخاب کالای بهتر است (معدن‌دار آرانی و سرکار آرانی، ۱۳۸۸). در نتیجه دولت به‌صورت غیرواقعی شهریه‌های یکسانی را برای کلیه مدارس غیردولتی در یک استان تعیین می‌کند. یکی از مصاحبه‌شوندگان با بیش از ۴۴ سال سابقه آموزشی و کار فرهنگی می‌گوید:

"وزارت آموزش و پرورش بین دوغ و دوشاب تفاوتی قائل نیست و برای همه مدارس نرخ یکسان تعیین کرده است. من با فضای آموزشی بسیار خوب که با وام ساخته‌ام باید با کسی که خانه‌ای را اجاره کرده شهریه یکسان بگیرم."

هم‌چنین در خصوص تعیین نرخ شهریه اکثریت مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند که بسیاری از خانواده‌ها توان اقتصادی لازم برای پرداخت شهریه مصوب را ندارند و با زحمت بسیار، تاخیر فراوان و مکاتبات و تماس‌های متعدد، موسس می‌تواند شهریه را جمع‌آوری کند. از سوی دیگر علی‌رغم این‌که بعضی از والدین به خاطر اشتها خوب مدرسه حاضرند شهریه بیشتری بپردازند، موسس حق دریافت شهریه بیشتر را ندارد. کلام یکی از موسسان این وضعیت تعارضی را به خوبی نشان می‌دهد:

"آموزش و پرورش دست و پای ما را بسته و انداخته تو آب و می‌گوید حالا شنا کن. از یک طرف من باید اقساط سنگین بپردازم و از طرف دیگر شهریه را نمی‌توانم زیاد کنم."

البته بین مصاحبه‌شوندگان این توافق جمعی وجود دارد که شهریه فعلی آنان تناسبی با سطح تورم اقتصادی موجود نداشته و آنان قادر به پرداخت هزینه‌ها در صورت تداوم این وضعیت نیستند. علاوه بر وزارت آموزش و پرورش باید از دخالت و اثرگذاری سایر نهادها بر روند توقف مدارس غیردولتی نیز یاد کرد. این نهادها شامل مجلس شورای اسلامی، شورای عالی آموزش و پرورش، دفاتر مدارس غیردولتی سازمان آموزش و پرورش استان‌ها، سازمان تجهیز و نوسازی مدارس، شهرداری‌ها، وزارت کار و امور اجتماعی، وزارت بازرگانی، آستان قدس رضوی، سازمان اوقاف و بانک‌ها می‌شود که برای جلوگیری از اطاله کلام، بررسی نقش آنان به فرصت دیگری موکول می‌شود.

**پدیده:** آغاز فعالیت مجدد مدارس غیردولتی در اواخر دهه ۶۰ شمسی، مصادف با زمانه‌ای بود

که اکثریت مدارس کشور دولتی بودند. در آن زمان نظام آموزشی با افزایش روزافزون جمعیت لازم‌التعلیم و کسری شدید بودجه روبرو بود. طبعاً پایان جنگ ایران و عراق، اعلام و اجرای سیاست‌های نوین را برای بخش‌های مختلف اقتصاد ایران اجتناب‌ناپذیر ساخت. آن ضرورت‌ها به دلایل متعدد کم‌کم فروکش نموده و امکانات آموزشی بیشتری توسط دولت برای همگان فراهم گردید. تغییر و تحول مبتنی بر رونق و رکود لازمه هر فعالیت اقتصادی است و بر این اساس، دولت در طی سال‌های گذشته توانست فرصت "انتخاب والدین" (Parent Choice) را برای گزینش مدرسه فرزندان‌شان از دو گروه منحصر "دولتی یا غیردولتی" خارج و آن را بسط و گسترش دهد. اطلاعات حاصله از پرسش چهارم پژوهش یعنی "مدارس جایگزین مدارس غیردولتی کدامند" مبین بروز پدیده "تاسیس مدارس رقیب" و تاثیر نسبی آن بر توقف مدارس غیردولتی از نظر مصاحبه‌شوندگان است. بر این منوال در طی سال‌های اخیر تاسیس مدارس هم‌چون مدارس نمونه مردمی، مدارس شاهد، مدارس هیات امنائی و مدارس تیزهوشان باعث شده‌اند که بخشی از مشتریان بالقوه مدارس غیردولتی، جذب این مدارس شوند. به‌همین دلیل اکثر مصاحبه‌شوندگان به شدت با تاسیس این مدارس، و به‌ویژه تبدیل مدارس دولتی به مدارس هیات امنائی، مخالف هستند و این امر را رقابتی نابرابر بین دولت با بخش خصوصی در حوزه آموزش می‌پندارند.

**استراتژی‌ها:** استراتژی را می‌توان به مثابه تلاشی برنامه‌ریزی شده، همه‌جانبه و هدفمند برای ساختن آینده بر بنیاد منافع خاصی خاص تعریف کرد (برایسون، ۱۹۹۸). باید اذعان کرد که تدوین استراتژی‌ها به‌عنوان یک مولفه مبتنی بر درک تفسیر مصاحبه‌شوندگان از پیش‌بینی وضع آینده مدارس غیردولتی و راهکار پیشنهادی آنان برای حل و فصل مشکلات است. بر این اساس در پاسخ به سوال پنجم تحقیق یعنی "استراتژی موسسان مدارس غیردولتی در مقابله با مشکلات چیست" استراتژی‌های اتخاذ شده توسط دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی را می‌توان به سه گروه پذیرش، مقاومت و تسلیم تقسیم کرد. همان‌گونه که در تعریف ارائه شده از استراتژی نیز مشهود است، سرمایه‌گذاران مدارس غیردولتی برای برقراری رابطه مبتنی بر منافع شخصی با عوامل محیطی متضاد درگیر هستند. این عوامل محیطی را در بخش‌های قبلی به سه گروه شرائط علی، شرائط زمینه‌ای و شرائط مداخله‌گر تقسیم کردیم. نحوه برخورد و واکنش دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی را می‌توان برای هر یک از این شرائط به شرح زیر تقسیم نمود:

- شرائط علی: استراتژی ترکیبی شامل پذیرش، مقاومت و تسلیم
- شرائط زمینه‌ای: استراتژی پذیرش

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

- شرایط مداخله‌گر: استراتژی مقاومت و تسلیم

آشکار است که توقف مدارس غیردولتی عموماً حاصل اثرگذاری قوی منفی و ترکیبی هر سه شرایط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر است. این وضعیت باعث ایجاد پیامدهایی شده است که به آن در قسمت بعد می‌پردازیم.

**پیامدها:** در پاسخ به ششمین و آخرین سوال تحقیق یعنی "پیامدهای توقف مدارس غیردولتی چه بوده است"، پیامدها اشاره به تصمیمات کوتاه‌مدت، میان مدت و بلندمدتی دارد که دست-اندرکاران مدارس غیردولتی برای مقابله با شرایط سه‌گانه اتخاذ کرده‌اند. این پیامدها ممکن است صرفاً حالت عینی نداشته و متضمن حالات ذهنی سه‌گانه امید، سردرگمی و یاس برای دست-اندرکاران مدارس غیردولتی باشد. این حالت دوگانه ذهنی و عینی در صحبت‌های مصاحبه-شوندگان مشهود است که به تفکیک به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود. در حالت ذهنی امید، یکی از موسسان می‌گوید:

"من هنرستان فنی-حرفه‌ای خودم را تعطیل کرده و مجوز دوره ابتدایی گرفته‌ام چون مطمئن هستم در سال‌های پیش رو دوباره با رشد جمعیت دانش‌آموزی روبرو خواهیم شد".  
در حالت سردرگمی، تعدادی از موسسان فعال مکرراً به این نکته اشاره می‌کنند که اوضاع برای آنان نامساعد و چشم‌انداز تاریک است:

"ما با چنگ و دندان داریم با این اوضاع می‌جنگیم، اگرچه از فردامون خبر نداریم".  
بسیاری از موسسان مدارس غیرفعال تجربه درک حالت ذهنی سوم یعنی یاس را داشته و دارند. یکی از موسسان غیرفعال که با گذشت بیش از یک دهه فعالیت، مدرسه خود را تعطیل کرده است از تجربه خود این‌گونه می‌گوید:

"من فرد بسیار آرامی هستم که هیچگاه به کسی توهین نکرده‌ام. یک روز بر اثر فشارهای وارده کنترل خود را از دست داده و برخورد بدی با یکی از همکارانم داشتم. بعد از آن ناگهان به خود آمدم که من چه می‌کنم. لذا از رفتن به مدرسه خودداری کرده و خجالت می‌کشیدم همکارانم را که ماه‌ها حق‌التدریس خودشان را از من طلب داشتند ببینم. در نهایت تصمیم خودم را گرفته و مدرسه‌ای که بسیار هم مشهور بود، را تعطیل کردم".

علاوه بر حالات ذهنی، اکثر موسسان مدارس غیردولتی (فعال و غیرفعال) روش‌های متعدد دیگری را نیز برای بقاء سرمایه خود آزموده‌اند که می‌توان به تعدادی از رایج‌ترین آن‌ها اشاره کرد:

- افزایش تعداد دانش‌آموز از طریق نمره‌دهی غیرواقعی

- افزایش برنامه‌های مکمل و فوق برنامه برای کسب منابع مالی جدید

- فشار بر والدین برای پرداخت شهریه بیشتر
- کاهش کیفیت آموزشی از طریق کاهش خرید تجهیزات و اقلام مورد نیاز
- کاهش حق‌التدریس معلمان
- بستن مدرسه به‌طور موقت
- تداوم فعالیت با ضرردهی و اصطلاحاً از کیسه خوردن
- توقف کامل

اثرات حاصله از روابط متقابل مولفه‌های ششگانه باعث شده است که در یک بازسازی معنایی از روند توقف مدارس غیردولتی دریابیم که ادراک و تفسیر مصاحبه‌شوندگان به‌عنوان دست-اندرکاران این مدارس منتج به خلق مفهوم اصلی یا هسته تحت عنوان "بی‌ثباتی نسبی" شود. بی‌ثباتی نسبی، مبین حالات احساسی و ذهنی حاکم بر مصاحبه‌شوندگان از بعد تحلیل و ترسیم چشم‌انداز آینده مدارس غیردولتی است (پرسش اصلی تحقیق). این مفهوم، بیانگر آن است که اکثریت این افراد باور چندانی به چشم‌انداز مطمئن و روشن برای سرمایه‌گذاری اقتصادی در بخش آموزش نداشته و وضعیت خود را در یک "بی‌ثباتی نسبی" از بعد تداوم فعالیت در این حوزه ارزیابی می‌کنند. با عنایت به آن‌چه گفته شد جدول ۱ نتایج مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نتایج مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی

مقوله هسته	مقوله‌ها	مفاهیم
بی‌ثباتی نسبی	شرایط علی	<p>بالا بودن نرخ رهن و اجاره ساختمان مدرسه وجود موانع متعدد بانکی جهت دریافت وام فقدان تسهیلات مالی توسط دولت برای رهن و اجاره ساختمان مدرسه عدم تناسب هزینه‌ها با مجموع دریافتی مدرسه بابت شهریه ناتوانی موسس و مدیر در جذب دبیران خوشنام مشورت اندک موسس با افراد خبره برای تاسیس مدرسه تبلیغات ضعیف موسس برای جذب دانش‌آموز فقدان نفوذ اداری موسس جهت تسهیل و تسریع امور بانکی افزایش بی‌رویه مجوز تاسیس مدرسه غیر دولتی تعطل دولت در تاسیس صندوق حمایت از موسسان مدارس غیردولتی همکاری اندک سازمان مسکن و شهرسازی در واگذاری زمین با کاربری آموزشی تغییر مدرسه دولتی به هیات امنائی عدم پرداخت یک سوم حق بیمه نیروی آزاد توسط دولت کاهش تعداد دانش‌آموزان خواهان ثبت نام در مدارس غیردولتی فقدان تجهیزات و امکانات آموزشی کافی در جهت جذب دانش‌آموزان جدید فضای نامناسب فیزیکی مدرسه</p>
	شرایط زمینه‌ای	<p>فقر اقتصادی عموم مردم منطقه کاهش جمعیت دانش‌آموزی نوع مدرسه برحسب جنسیت دانش‌آموز</p>
	شرایط مداخله‌گر	<p>هئیت دولت مجلس شورای اسلامی شورای عالی آموزش و پرورش وزیر آموزش و پرورش وزارت آموزش و پرورش ادارات کل آموزش و پرورش سازمان تجهیز و نوسازی مدارس شهرداری‌ها بانک‌ها وزارت کار و امور اجتماعی وزارت بازرگانی استان قدس رضوی</p>



	ورود رقبا	مدارس تیزهوشان مدارس نمونه مردمی مدارس شاهد مدارس دولتی
	استراتژی‌ها	پذیرش مقاومت تسلیم
	پیامدها	کاهش تعداد دانش‌آموز افزایش ناامیدی برای سرمایه‌گذاری فشار بر والدین برای پرداخت شهریه کاهش کیفیت آموزشی کاهش حق‌التدریس
۱	۶	تعداد مفاهیم و مقولات : ۴۴

### بحث و نتیجه‌گیری

مفاهیم و مقولات به‌دست آمده مندرج در جدول ۱، فعالیت‌های کنش‌گران (دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی) را در بافت و بستری ترسیم می‌کند که در آن به تلفیق اندیشه و کنش یعنی بازاندیشی در مورد رفتار خود، شیوه فعالیت اقتصادی و تداوم یا توقف مدارس غیردولتی می‌پردازند. مدل پارادایمی دربردارنده شش بخش شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پدیده ورود رقبا، استراتژی‌ها و پیامدها است. شرایط علی که به مثابه بستر و زمینه اصلی بر تداوم یا توقف فعالیت یک مدرسه غیردولتی اثر می‌گذارد، دربردارنده عوامل اقتصادی، مدیریتی، سازمانی و آموزشی بود. در این راستا تحقیق حاضر از یافته‌های پژوهشی گل‌پرور (۱۳۸۳)، پیامی خانقاه (۱۳۸۳) و محمدی نائینی (۱۳۸۶) پشتیبانی می‌کند که در طی دو دهه گذشته نشان داده‌اند شرایط علی به مثابه بستر و زمینه اصلی بر توقف فعالیت مدارس غیردولتی اثر گذاشته‌اند. شرایط مداخله‌گر، به مثابه بستری عمل می‌کند که باعث تخفیف یا تشدید تاثیر شرایط علی می‌شود. نقش و عملکرد "دولت" (State) به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار مداخله‌گر، نقش بسیار مهمی در اتخاذ استراتژی‌های دست‌اندرکاران مدارس غیردولتی در شرایط مختلف دارد. در واقع این‌گونه به‌نظر می‌رسد که در ایران شرایط علی و زمینه‌ای نیز تا حد زیادی متاثر از عملکرد ابزار اصلی مداخله‌گر یعنی دولت است. بر این اساس لازم است مشخص شود که نقش دولت در طی سه دهه گذشته در خصوص مدارس غیردولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در حوزه آموزش

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

چگونه بوده است و دولت کدام‌یک از راهبردهای مرسوم در دنیا را به‌کار گرفته است و آیا می‌توان از گونه‌ای مدل ویژه به‌نام "مدل ایرانی روند خصوصی‌سازی" یاد کرد (معدن‌دار آرانی، کاکیا، ۲۰۱۳). به هر حال پیامد سیاست‌های دولت، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بروز پدیده "مدارس رقیب" است. اگرچه پدیده‌ها در زمینه‌های مختلف اجتماعی، شکل‌های خاصی به خود می‌گیرند، ولی در پژوهش حاضر به‌صورت تاسیس مدارس رقیب، هم‌چون تیزهوشان، هیات امنایی و غیره، عرصه را بر موسسان تنگ ساخته‌اند. این یافته از نتایج تحقیقات مسعودی‌فر (۱۳۷۹)، جوادی (۱۳۸۵)، و نژادیان (۱۳۸۸) پشتیبانی می‌کند. با عنایت به یافته‌های تحقیق می‌توان با اطمینان بالایی مقوله هسته به‌دست آمده یعنی "بی‌ثباتی نسبی" را به‌عنوان مقوله‌ای کلی مطرح کرد که مقولات فرعی و مفاهیم زیرمجموعه را تا حد زیادی پوشش می‌دهد (نمودار ۱). لذا با توجه به نمودار بازسازی معنایی روند توقف مدارس غیردولتی می‌توان یافته‌های پژوهش را به‌صورت زیر جمع‌بندی کرد:

**اول:** این‌که همه مصاحبه‌شوندگان به بستر تاریخی تحول مدارس غیردولتی و فراز و نشیب‌های آن توجه داشته و دائماً وضع گذشته، حال و آینده این مدارس را با نگاهی تطبیقی موردتوجه قرار می‌دادند. آشکار است که نوع نگاه هریک از افراد مصاحبه‌شونده به موضوع بحث متأثر از ویژگی‌های شخصیتی آنان بوده است. با این وجود، در اکثر موارد نوعی توافق جمعی بین افراد مشاهده می‌شد.

**دوم:** اکثریت مصاحبه‌شوندگان این واقعیت را پذیرفته بودند که عمده‌تأثیر سیاست‌های جمعیتی، تعداد جمعیت لازم‌التعلیم کاهش و در نتیجه علاقه دولت به همکاری بیشتر با مدارس غیردولتی روندی نزولی یافته است.

**سوم:** اکثریت مصاحبه‌شوندگان اتفاق نظر داشتند که حجم سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزش و تخصیص بودجه برای نوسازی و بازسازی مدارس باعث شده است که وضع ظاهری مدارس دولتی بهتر از مدارس غیردولتی باشد. آنان همراهی این عامل را با تغییر وضع مدارس دولتی به هیات امنایی، باعث شکست بیشتر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در امر آموزش می‌دانند.

**چهارم:** این اشتراک نظر وجود داشت که عامل برتری مدارس غیردولتی در گذشته کیفیت آموزشی بهتر و به‌ویژه استفاده از معلمان خوب بوده است. به‌همین دلیل آنان تنها عاملی را که می‌تواند باعث بقاء فعالیت مدارس غیردولتی در برابر رقبا شود، تداوم کیفیت آموزشی برتر می‌دانستند.

**پنجم:** مصاحبه‌شوندگان توافق داشتند که مدارس غیردولتی در طی دو دهه گذشته نتوانسته‌اند بیش از ۱۰ درصد دانش‌آموزان لازم‌التعلیم را جذب کنند. آنان بر این باور بودند که اکثریت

دانش‌آموزان از قشر برخوردار اقتصادی و هم‌چنین فرزندان فرهنگیان بوده‌اند. به‌همین دلیل این اشتراک نظر وجود داشت که در سال‌های آتی نیز سهم مدارس غیردولتی از جمعیت لازم‌التعلیم کشور حداکثر ۱۰ درصد باشد.

**ششم:** مصاحبه‌شوندگان اعتقاد داشتند که مدارس غیردولتی جایگاه اجتماعی خود را در بین خانواده‌های ایرانی یافته و مشروعیت لازمه را کسب کرده‌اند. آنان هم‌چنین بر این امر تاکید دارند که در وضع فعلی و با عنایت به چشم‌انداز آینده، تاسیس هر مدرسه غیردولتی جدید مستلزم توجه به دو عامل مهم توانمندی مالی موسس و کیفیت آموزشی مدرسه است.

**هفتم:** علی‌رغم این‌که بسیاری از مصاحبه‌شوندگان هنوز تداوم کمک‌های دولتی را لازم می‌دانند، ولی این باور روز به روز در بین آنان قوی‌تر می‌شود که محدودیت‌های موجود و افزایش رقابت بین مدارس، جذابیت‌های اقتصادی این حوزه را برای سرمایه‌گذاران بالقوه باستانی فزاینده کاهش می‌دهد.

**هشتم:** با عنایت به سه نکته قبلی، مصاحبه‌شوندگان خروج موسسان ضعیف را امری طبیعی قلمداد می‌کنند. با این وجود، آنان معتقد هستند که دولت باید از دخالت در تعیین شهریه خودداری کرده و آن را نیز به امری رقابتی مبدل سازد.

**نهم:** اکثریت مصاحبه‌شوندگان اعتقاد دارند که دولت بسیاری از مصوبات قانون تاسیس و اداره مدارس، مراکز آموزشی و پرورشی غیردولتی را اجرا نکرده است.

**دهم:** اکثریت مصاحبه‌شوندگان با دیده تعجب به سرمایه‌گذاری کلان دولت در بخش‌های مختلف اقتصادی برای اشتغال‌زائی نگریسته، آن را غیراقتصادی تلقی و ناباورانه این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا دولت بهائی برای نقش آنان در ایجاد فرصت‌های شغلی قائل نیست.

## پیشنهادها

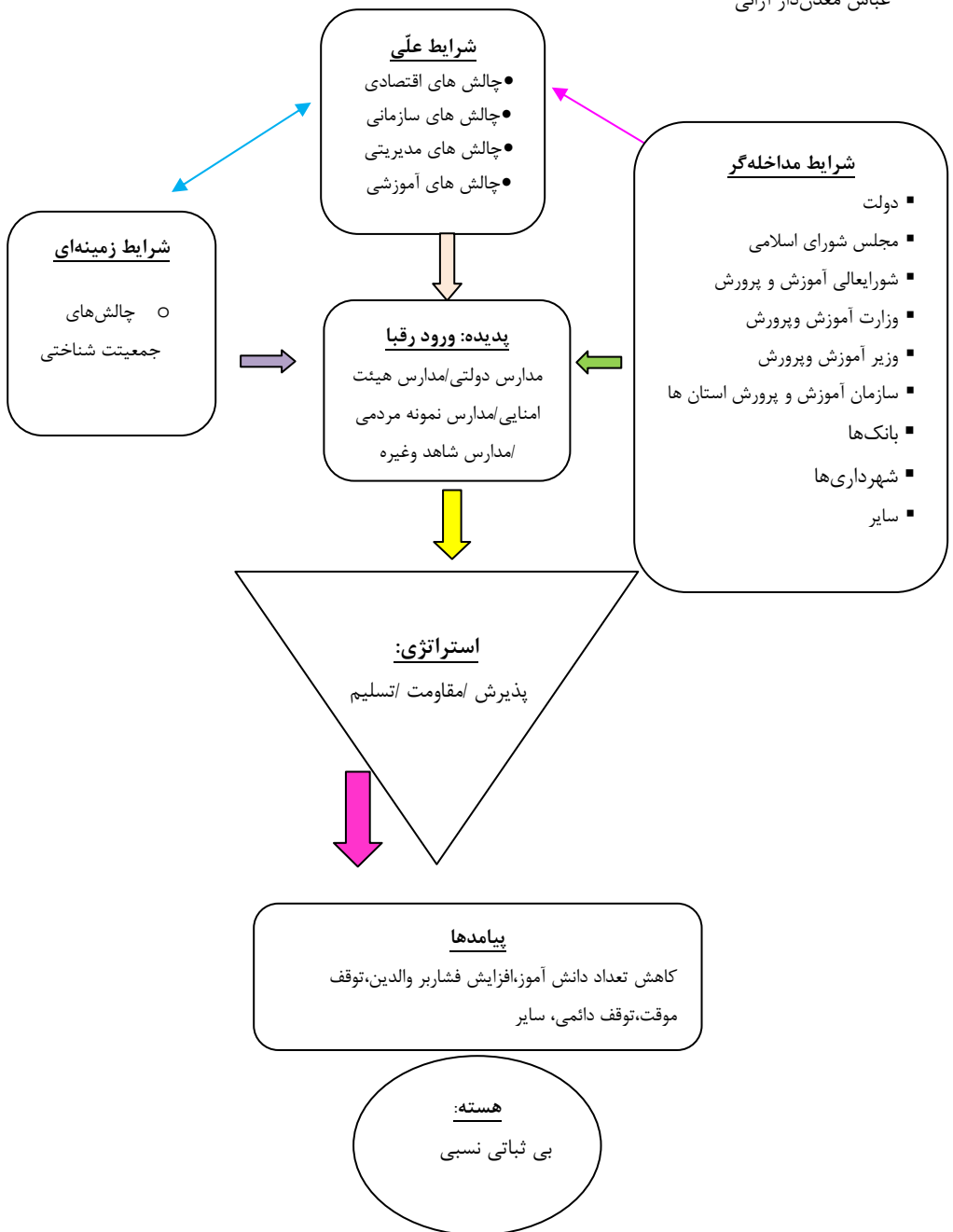
با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر برای کاهش و تعدیل نقش شرائط علی، زمینه‌ای و مداخله‌گر در روند توقف مدارس غیردولتی ارائه می‌گردد:

- تعیین و تامین منابع مالی بانک‌ها برای اجرای ماده ۱۰ قانون تاسیس و اداره مدارس غیردولتی مصوبه ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی توسط دولت
- پیش‌بینی یارانه مربوط به تسهیلات بانکی موضوع ماده ۱۱ قانون تاسیس و اداره مدارس غیردولتی مصوبه ۱۳۸۷ مجلس شورای اسلامی توسط دولت
- تدوین آیین نامه مشخص در خصوص رهن و اجاره منازل مسکونی برای استفاده به‌عنوان

بازسازی معنایی توقف مدارس غیر دولتی: یک تحلیل زمینه‌ای

مدرسه با نظارت وزارت آموزش و پرورش

- تصویب آیین‌نامه جدید مبنی بر افزایش فاصله بین مدارس در هر دو جنس به ۱ کیلومتر با توجه به مقتضیات محلی "شورای مدارس غیردولتی"
- کاهش صدور مجوز موافقت با تاسیس مدارس جدید با عنایت به واقعیات محلی توسط "شورای مدارس غیردولتی"
- اعزام مجدد نیروهای مازاد آموزش و پرورش به مدارس غیردولتی با اولویت اجرا در شهرستان‌ها و استان‌های کمتر توسعه‌یافته
- حذف ضوابط علمی و گزینشی موضوع ماده ۲۳ برای فرهنگیان بازنشسته شاغل در مدارس غیردولتی
- برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای هر سه گروه متقاضیان بالقوه، موسسان و مدیران مدارس فعال و کارشناسان دفاتر غیردولتی درخصوص مدیریت آموزشی و ابعاد آن
- تاسیس بانک اطلاعاتی "مدیران موفق" براساس معیارهای عینی جهت معرفی آنان به موسسان توسط "شورای مدارس غیردولتی" شهرستان



نمودار ۱. مدل بازسازی معنایی روند توقف مدارس غیردولتی

## منابع

- پویان، عبدالله. ۱۳۷۶. بررسی و تحلیل مطالعات انجام شده در زمینه مشارکت‌های مردمی در آموزش و پرورش مدارس غیرانتفاعی و نمونه مردمی. تهران: وزارت آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه پژوهشی راهنمایی، مشاوره و روانشناسی تربیتی
- پیامی خانقاه، عبدالله. ۱۳۸۳. مطالعه کارایی درونی مدارس راهنمایی تحصیلی غیرانتفاعی و مقایسه آن با مدارس دولتی در شهر اردبیل. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. اردبیل: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی
- ثابتی، زهرا. ۱۳۸۶. مقایسه وضعیت آموزشی و مدیریتی مدارس دولتی و غیرانتفاعی استان قم در سال تحصیلی (۱۳۸۶-۱۳۸۵). قم: سازمان آموزش و پرورش قم
- جعفری، پرورش. ۱۳۸۹. مشارکت بخش خصوصی در آموزش و پرورش. تهران: سازمان خصوصی‌سازی، مدیریت مطالعات و برنامه‌ریزی
- جوادی، مریم. ۱۳۸۵. بررسی رفتار مصرفی خانوارهای ایرانی به منظور تامین مالی آموزش فرزندان خود طی سال‌های ۸۳-۱۳۷۰. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، گروه اقتصاد آموزش و پرورش
- دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیر دولتی، ۱۳۸۸. گزارش عملکرد مدارس و مراکز غیر دولتی در سال تحصیلی ۸۸-۸۷. تهران: وزارت آموزش و پرورش
- دفتر پشتیبانی و توسعه مدارس غیردولتی، ۱۳۹۰. گزارش عملکرد مدارس و مراکز غیردولتی در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. تهران: وزارت آموزش و پرورش
- گل‌پرور، محسن. ۱۳۸۳. بررسی نگرش افراد جامعه نسبت به مدارس غیرانتفاعی در شهر اصفهان. اصفهان: سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، شورای تحقیقات
- محمدپور، احمد. ۱۳۹۰. روش تحقیق کیفی. جلد ۲، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان
- محمدی نائینی، مژگان. ۱۳۸۶. ارزشیابی عملکرد مدارس غیرانتفاعی استان مرکزی در سه دوره ابتدایی، راهنمایی و متوسطه در سال ۸۵-۱۳۸۴. اراک: سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی، شورای تحقیقات
- مسعودی فر، احمد رضا. ۱۳۷۹. نگرش کارکنان اداری، مدیران و معلمان شهر مشهد نسبت به مدارس غیر انتفاعی و عوامل مؤثر بر آن. مشهد: اداره کل آموزش و پرورش خراسان، شورای تحقیقات
- مصری، کتابون. ۱۳۸۷. بحران ورشکستگی مدارس غیرانتفاعی. بانک مقالات آموزشی و فرهنگی. <http://rasatous.ir/wordpress/archives/267>
- معدن دار آرانی، عباس و سرکار آرانی، محمدرضا. ۱۳۸۸. آموزش و توسعه: مباحث نوین در اقتصاد آموزش. تهران: نشر نی
- نژادیان، ولی. ۱۳۸۸. درجه‌بندی مدارس غیرانتفاعی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه نظری استان لرستان. خرم‌آباد: سازمان آموزش و پرورش، پژوهشکده تعلیم و تربیت

- Journal of Business Research Methods*, 2 (1): 1-10
- Bray, M. 1996. *Counting the full cost: Parental and community financing of education in East Asia*, Washington D.C: The World Bank in collaboration with UNICEF
- Bryson.J.M.1998. *Strategic planning for public and nonprofit organizations*, San Francisco: Jossey-Bass
- Bunar.N. 2012. *Parents and teachers on local school markets: Evidence from Sweden*, National Center for the Study of Privatization in Education, Available at: <http://ncspe.org/readrel.php?set=pub&cat=272>
- Desai. S. Dubey. A. Vanneman. R. & Banjeri, R. 2008. *Private Schooling in India: A New Educational Landscape*. Brookings-NCAER India Policy Forum
- Harma. J. 2009. *Private responses to state failure: the growth in private education and why in Lagos, Nigeria*. National Center for the Study of Privatization in Education, Available at: <http://ncspe.org/readrel.php?set=pub&cat>
- Johnson. R. B & Christensen. L.B. 2008. *Educational Research: Quantitative, qualitative and mixed approaches*, (3rd Ed), Thousand Oaks, CA: Sage Publication Ltd
- Patton. M. 2001. *Qualitative research & evaluation methods*, London: Sage Publication Ltd
- Madandar Arani. A & Kakia. L. 2013. *Privatization of education in Iran: A comparative model*, Conference on Educational Reform and Social Change: East – West Dialogue, Comparative Education Society of Hong Kong Annual Conference, The Chinese University of Hong Kong, 23 Feb